

زمانی که به صورت کلی به کلیسا و مشکلات درون آن نگاهی می‌اندازیم در خواهیم یافت که یکی از بزرگترین چالش‌هایی که برخی از اعضای کلیسا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند مشکل دو دلی نسبت به ایمان و انتخاب عیسی مسیح به عنوان خداوند و از همه مهم‌تر چالش‌هایی است که کلام خداوند در درون اشخاص به وجود می‌آورد است. اما اگر به تاریخ کلیسا مراجعه کرده و نگاهی به کتاب مقدس بیندازیم متوجه خواهیم شد که این مشکل فقط محدود به کلیسای امروز نبوده و رفع آن هم فقط مختص رهبران کلیسای امروز نمی‌باشد. با نگاه به رساله‌ی پولس به غلاطیان در می‌یابیم که برخی از اعضای آن کلیسا هم با این مشکل روبه‌رو بودند و پولس رسول نیز به عنوان بنیانگذار کلیسا برای حل این مشکلات دست به کار شده بود.

آگوستین که یکی از بزرگترین الهیدانان تاریخ کلیسا است، قبل از اینکه به عیسی مسیح ایمان آورد می‌گوید:

می‌ترسم مسیحی شوم؛ چون می‌دانم اگر مسیحی شوم باید تمام لذت‌های دنیا را کنار بگذارم و به همین دلیل است که نمی‌خواهم مسیحی شوم!

او پس از ایمان به عیسی مسیح می‌گوید:

اتفاقاً بعد از اینکه ایماندار شدم معنی واقعی لذت را چشیدم. واقعاً احمقانه است که فکر کنیم با مسیحی شدن لذت دنیا از ما گرفته می‌شود بلکه به عکس، کسی که مسیحی می‌شود بهترین نوع لذت را تجربه می‌کند و آن هم قدم زدن مخلوق (انسان) با خالق خودش (خداوند) می‌باشد.

در این مقاله به بررسی رساله به غلاطیان در رابطه با همین موضوع خواهیم پرداخت.

غلاطیان فصل ۴: ۱-۱۱

«۱-ولی می‌گویم مادامی که وارث کوچک است، از غلام هیچ فرق ندارد، هرچند مالک همه باشد. ۲-بلکه زیردست ناظران و وکلا می‌باشد تا روزی که پدرش تعیین کرده باشد. ۳-همچنین ما نیز چون کوچک می‌بودیم، زیر اصول دنیوی غلام می‌بودیم. ۴-اما چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد، ۵-تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیہ کند تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم. ۶-اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند «یا ابا» یعنی «ای پدر». ۷-بنابراین دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیله‌ی مسیح. ۸-اما در آن زمان چون خدا را نمی‌شناختید، آنانی را که طبیعتاً خدایان نبودند، بندگان می‌کردید. ۹-اما اکنون که خدا را می‌شناسید بلکه خدا شما را می‌شناسد، چگونه باز بر می‌گردید به سوی آن اصول ضعیف و فقیر که دیگر می‌خواهید از سر نو آنها را بندگان کنید؟ ۱۰-روزها و ماهها و فصل‌ها و سالها را نگاه می‌دارید. ۱۱-درباره‌ی شما ترس دارم که مبادا برای شما عبث زحمت کشیده باشم.»

همانطور که از آیات بالا مشخص است برای کلیسای غلطیه هم این مشکل وجود داشت و آنها قادر نبودند از اصول دنیوی و آنچه در گذشته به آن عمل می‌نمودند دل کنده و خود را جدا سازند.

پولس می‌گوید زمانی همه‌ی ما همچون کودکان بودیم و باید از والدین خود پیروی می‌کردیم. این کودک بودن، فرق چندانی با برده بودن ندارد زیرا هم کودک و هم برده در تک تک لحظات زندگی خود مجبور به اطاعت کردن از افرادی هستند و باید کارهایی را انجام دهند که از نظر شخصی میلی به انجام دادنشان ندارند.

زمانی که شخص به عیسی مسیح ایمان ندارد و از او پیروی نمی‌کند، ناگزیر یا در پی اطاعت از شریعت است و یا به دنبال پیروی از اصول دنیا است. شریعت به انسان نشان می‌دهد که هیچکس با تکیه بر قدرت شخصی خود قادر به قدم زدن با خداوند نخواهد بود. انسان در همین شرایط به سر می‌برد تا آنکه زمان خداوند فرا رسد و عیسی مسیح به شکل انسان بر زمین حاضر شد تا انسان را از خردسالی نجات داده، شریعت خود را در قلب او قرار دهد تا دیگر

نیازی نباشد که شخصی از بیرون بایدها و نبایدها را به او تعلیم دهد، بلکه روح خداوند از درون شخص او را تعلیم داده و هدایت کند.

به صورت کلی زندگی هر ایماندار به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ پیش و پس از ایمان. هیچ ایماندار متولد شده از روح خداوند نمی‌تواند بگوید که قبل از ایمان به عیسی مسیح هیچ ناپاکی در او وجود نداشته و انسانی خوب بوده و پس از ایمان هم با ناپاکی‌های درون خود روبه‌رو نشده و همچنان انسان خوبی است.

یکی از راه‌هایی که می‌توانیم حقانیت ایمان قلبی خود را امتحان کنیم، مقایسه‌ی رفتار و طرز فکر پیش از ایمان و پس از ایمانمان به عیسی مسیح است. برای این کار باید در خود به جست‌وجو پرداخته و به دنبال تغییراتی که به واسطه‌ی قدم زدن با عیسی مسیح در رفتارمان ایجاد شده است باشیم و اگر در این جست‌وجو نتوانستیم تغییراتی را در خودمان ببابیم، باید از خود بپرسیم که آیا عیسی مسیح در زندگی ما حضور دارد و آیا در زندگی ما کار می‌کند یا خیر.

به عقیده‌ی پولس رسول با بازگشت به گذشته‌ی قبل از ایمانمان و انجام دوباره‌ی آیین‌های منسوخ شده، به بت‌پرستی و بی‌خدایی خواهیم رسید. ایمانداران باید به دنبال انجام آیین‌هایی باشند که عیسی مسیح آنها را تعلیم داده و به یادگار گذاشته است. توجه داشته باشید که این به هیچ وجه به معنای فراموش کردن فرهنگ خودمان نیست بلکه به معنای تصحیح کردن آن طبق کلام خداوند و در بعضی موارد، جایگزین کردن آن با فرهنگ کتاب مقدس است. هر کشور و جامعه‌ای دارای فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود است و با نگاهی منصفانه به آنها می‌توان دریافت که برخی از آنها بسیار خوب بوده و با دادن عطر و بوی کتاب مقدس می‌توان از آنها برای جلال خداوند استفاده کرد. در مقابل، برخی رفتارهای فرهنگی غلط نیز در همه‌ی جوامع وجود دارد که شخص باید در پی خارج کردنشان از عادات رفتاری خود و جایگزین کردنشان با رفتارهای شایسته‌ی فرهنگ کتاب مقدس باشد.

پولس می‌خواست با ارائه‌ی الهیات صحیح کتاب مقدس به مخاطبانش، آنها را به شناخت بهتری از خداوند و الگوبرداری از عیسی مسیح برساند و به آنها بیاموزد که الهیات غلط روابط اجتماعی غلط را هم به همراه خواهد داشت.

الاهیات تنها یک علم برای شناخت بهتر خداوند نیست بلکه ما را برای شناخت بهتر خودمان و مقابله با نادرستی‌های درونمان نیز یاری می‌دهد. مواجه شدن با «خود حقیقی» برای هر کس بسیار سخت و دردناک است ولی از طرفی اگر شخصی خودش را به درستی نشناسد به هیچ وجه قادر به شناخت خدا نیز نخواهد بود.

غلاطیان ۴: ۱۶

«۱۶-پس چون به شما راست می‌گویم، آیا دشمن شما شده‌ام؟»

زمانی که پولس رسول حقیقت درونی مخاطبانش را برایشان نمایان می‌سازد، آنها کاملاً از این موضوع ناراحت می‌شوند. پولس نیز به آنها می‌گوید وقتی حقیقت درونتان را از دهان من می‌شنوید آنقدر خشمگین می‌شوید که من را دشمن خود می‌پندارید.

اگر با نگاه به درونمان با حقایق تلخ روبه‌رو می‌شویم باید آنها را به حضور خداوند ببریم و از او برای پاک کردن درونمان کمک بخواهیم. البته باید به یاد داشته باشیم که دنیا و اصول حاکم بر آن، اشخاصی که با ناپاکی‌های درونی خود می‌جنگند را محکوم می‌کند. دنیا و هر چه در آن است، از اشخاصی که با عیسی مسیح قدم می‌زنند و در پروسه‌ی قدوسیت پیش می‌روند و می‌خواهند به شباهت مسیح درآیند، متنفر است ولی با این وجود باید بدانیم که هیچ موضوعی نباید برای ایمانداران مهمتر از قدم زدن با عیسی مسیح و جلب رضایت او باشد.

کلام خداوند آنهایی که به عیسی مسیح ایمان دارند و با تکیه بر روح خداوند به دنبال رشد در پروسه‌ی قدوسیت هستند را فرزندخواندگان خداوند می‌نامد. این اشخاص با عیسی مسیح هم‌ارث هستند و این بخشی از پاداش خداوند برای آنانی است که از انجام اصول دنیوی و رفتارهای فرهنگی غلط گذشته‌شان خودداری می‌کنند. کسانی که با خداوند قدم می‌زنند دارای خلقت تازه می‌شوند و خداوند این اشخاص را به واسطه‌ی ایمان به عیسی مسیح دوباره از روح خودش متولد می‌کند و آنهایی که این تولد تازه را داشته باشند به شباهت عیسی مسیح در خواهند آمد.

خداوند آنکه گناه را شناخت (یعنی عیسی مسیح را) در راه ما گناهکاران و محکومان به مرگ ابدی گناه ساخت تا ما در وی، در مقابل خدای پدر عادل شمرده شویم. همه‌ی ما ایمانداران در نهایت به حضور خداوند می‌رویم و در حضور او تا ابد زندگی خواهیم کرد و این تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح امکان پذیر است.

«۳- و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می‌گفت: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود. ۴- و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.»

همه‌ی ما ایمانداران باید این آیات را در تک تک لحظات زندگی خود به یاد آوریم و با این امید به دنبال جلال خداوند باشیم. همیشه باید به یاد داشته باشیم که جلال خداوند زمانی از طریق ما به دیگران انعکاس خواهد یافت که ابتدا اجازه دهیم روح خداوند در درونمان عمل کرده و ناخالصی‌های درونمان را نمایان سازد تا ما برای از بین بردنشان با قدرت همان روح، قدم برداریم. این مسیر بی‌شک بسیار دشوار بوده و نیازمند گذر زمان است ولی در نهایت باعث شبیه‌تر شدن به عیسی مسیح و انعکاس جلال خداوند از طریق ما خواهد شد.

کتاب مقدس تنها برای شناخت خداوند نیست بلکه باید از آن برای شناخت خود و مکان زندگی ابدیمان نیز استفاده کنیم و با الگو برداری از فرهنگ ملکوت خداوند و نمایان کردن آن در زندگی شخصی خودمان، دیگران را به سمت عیسی مسیح و زندگی در ملکوت او جذب کنیم. زندگی همه ایمانداران باید بر این اساس پایه‌گذاری شود و هر یک از ما باید از خود بپرسیم که:

آیا امروز در روابطم با دیگران، عیسی مسیح را از خود دلسرد کردم یا خیر؟

آیا روح خداوند در من ندا سر می‌دهد یا خیر؟

آیا امروز عیسی مسیح را در زندگی خود حس می‌کنم یا خیر؟

آیا در انتظار خداوند برای رفتن به ملکوت او هستم یا خیر؟

آیا از انجام اصول غلط و رفتارهای فرهنگی اشتباه خود دوری می‌کنم یا خیر؟

خداوند در قلب‌های طاهر کار می‌کند و آنها را بازسازی می‌نماید و اولین کسی که از ثمره‌ی این کار لذت خواهد برد، خود شخص خواهد بود. همچنین هر یک از ما ایمانداران باید بکوشیم تا فرهنگ صحیح کتاب مقدس را در خانواده و جامعه‌ی خود گسترش دهیم چراکه این بهترین و تنها راه نجات مردمان در هر جا خواهد بود.

آمین